



# نامه‌های شوپن

فردریک شوپن  
گردآورنده: خنریک اوپینسکی  
مترجم: محسن الهامیان



سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
فبا  
بادداشت  
یادداشت  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
زده بندی کنگره  
زده بندی دیوی  
شماره کتابشناسی ملی

شوپن، فردریک، ۱۸۱۰ - ۱۸۴۹ م.  
نام‌های شوپن / نویسنده: فردریک شوپن / گردآورنده: خنریک اوپینسکی؛ مترجم: محسن الهامیان.  
تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۹.  
سوزده، ۵۶۸ ص.  
۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۹۷۹-۴

عنوان اصلی: Correspondence. Selections.  
کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان Chopin's Letters به فارسی برگردانده شده است.  
شوپن، فردریک، ۱۸۱۰ - ۱۸۴۹ م. -- نامه‌ها  
Chopin, Frédéric -- Correspondence  
آهنگسازان -- نامه‌ها  
Composers -- Correspondence  
اوپینسکی، هنریک، ۱۸۷۰ - ۱۹۲۲ م. گردآورنده  
Opieński, Henryk, 1870-1942  
الهامیان، محسن، ۱۳۲۷ - . مترجم  
ML ۶۱۰  
۷۸۶/۱۰۹۲۴  
۶۳۴۲۰۵۸

### نامه‌های شوپن

نویسنده: فردریک شوپن  
گردآورنده: خنریک اوپینسکی  
ترجمه انگلیسی، همراه با مقدمه و یادداشت‌های ویرایشی؛ ایتل لیلیان و وینیچ  
مترجم: محسن الهامیان  
چاپ نخست: ۱۴۰۰  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتبیبه  
حق چاپ محفوظ است.

اداره مرکزی:  
بلوار نلسون ماندلا، تقاطع حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵، تلفن: ۵۸۴۱۵  
کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳  
فروشگاه مرکزی (پرنده آبی):  
بلوار نلسون ماندلا، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلغام، پلاک ۱۷۲، تلفن: ۳-۲۲۴۴۴۰۰  
فروشگاه بک:  
خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶  
فروشگاه دو:  
خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

۱

به پدرش، به مناسبت روز نامگذاری او [به شعر]  
وقتی تقویم سالگرد روزنامگذاری شما را اعلام می کند،  
پدرم، برایم شادی آفرین است، و برایتان آرزو دارم  
که شادمان زندگی کنید و هرگز روی حرمان نبینید  
که خدا همیشه زندگی را بر وفق مرادتان نماید و آنچه را خواسته اید  
برآورده کند؛  
این خواسته را برای سلامت شما آرزو می کنم.

ف. شوپن  
۶ دسامبر ۱۸۱۶

۲

به مادرش، به مناسبت روز نامگذاری او [به شعر]  
مادر، روزنامگذاری ات را تبریک می گویم.  
شاید خدا آنچه قلبم را آکنده است برآورده کند:

۴ / نامه‌های شوپن

اینکه همیشه شادمان باشی و  
عمرت طولانی و پر بار باشد.

ف. شوپن

۱۶ ژوئن ۱۸۱۷

۳

به پدرش، به مناسبت روز نامگذاری او [به شعر]

چه شادی بزرگی در قلبم احساس می‌کنم!  
در چنین روز خوشایندی، چنین عزیز و باشکوه،  
باشد روزی که با این آرزو به شما سلام کنم  
که سالیان دراز با شادی به سر برید،  
سلامت و قوی، در آرامش و موفقیت.  
باشد که برکات الهی بی‌دریغ بر شما ارزانی شود.

ف. شوپن

۶ دسامبر ۱۸۱۷

۴

به پدرش، به مناسبت روز نامگذاری او

پدر عزیزم!

احساساتم را روان‌تر و آسان‌تر می‌توانستم بیان کنم، اگر آن‌ها را به موسیقی  
می‌گذاردم؛ ولی حتی بهترین کنسرت‌ها هم نمی‌توانستند بازگوکننده  
علاقه من به شما باشند. باید ساده‌ترین کلماتی را که در قلبم وجود دارند به  
کار گیرم تا بتوانم علاقه و تشکرهای خود را به شما ابراز کنم.

ف. شوپن

۶ دسامبر ۱۸۱۸

## ۵

### به اوستاهی ماریلسکی<sup>۱</sup> در پیچه<sup>۲</sup>

خودم به دیدن زوبلیویچ<sup>۳</sup> رفتم تا بفهمم تاریخ سخنرانی، و نه امتحان، برای تازه‌واردها چه زمانی خواهد بود. او به من گفت که احتمالاً شانزدهم یا هفدهم این ماه است؛ کمیسیون هنوز هم تصمیم نگرفته است که گردهمایی عمومی آکادمی را پانزدهم برگزار کند یا شانزدهم. او به من گفت که جلسات درس صبح‌ها و امتحان بعد از ظهرها خواهد بود و بعد از پانزدهم کسی را نخواهند پذیرفت. مرا ببخش که این چنین بدخط می‌نویسم، چون عجله دارم. لطفاً آنچه را به تو گفتم به ولتزا<sup>۴</sup> هم بگو و سلام مرا به او برسان و همین‌طور به تیتوس<sup>۵</sup>. بیالوبلوتسکی<sup>۶</sup> سه‌شنبه به ورشو آمد. او سه‌شنبه ثبت‌نام و چهارشنبه اینجا را ترک می‌کند و برای آغاز ترم، دوباره به اینجا برمی‌گردد. ماما و پاپا به والدین تو سلام می‌رسانند و لودویکا به خواهرت. تو و برادرت را از صمیم قلب می‌بوسم و در آغوش می‌گیرم.

ف. شوپن

آقایان کولیکوفسکی<sup>۷</sup>، کارووفسکی<sup>۸</sup> [کارنوفسکی؟]، ویلچینسکی<sup>۹</sup> و کژی‌ویتسکی<sup>۱۰</sup> بازنشست شده‌اند و معلمی که از کالیتز<sup>۱۱</sup> آمده بود به جای کولیکوفسکی انتخاب شده است. پان دویونوکی<sup>۱۲</sup> [؟] به تو سلام می‌رساند. خداحافظ. این نامه را به کسی نشان نده، چون هر کسی آن را ببیند خواهد گفت که من نوشتن بلد نیستم و هیچ بویی از ادب نبرده‌ام.

- |                      |              |                |
|----------------------|--------------|----------------|
| 1. Eustachy Marylski | 2. Pecice    | 3. Zubelewicz  |
| 4. Weltz             | 5. Tytus     | 6. Bialoblocki |
| 7. Kulikowski        | 8. Karwowski | 9. Wilczyński  |
| 10. Krzywicki        | 11. Kalisz   | 12. Dobronoki  |

۶

به ویلهلم کلبرگ<sup>۱</sup>

شافارنیا، ۱۹ اوت ۱۸۲۴

ویلوس عزیز!

تشکر به خاطر آنکه به یاد من بودی؛ ولی از طرف دیگر از دست تو دلخورم، چون آدمی وحشتناک و بی‌مغز هستی و فقط تو می‌توانی چنین مزخرفاتی برای من بنویسی. آیا در مصرف کاغذ و قلم امساک داری؟ یا جوهرت با تو لجاجت دارد؟ شاید وقت چندانی نداری تا بتوانی بیش از این، از خط‌های خرچنگ‌قورباغه‌ای‌ات برایم بفرستی، یا شاید دلیلش این باشد که برای اسب‌سواری می‌روی. این است؛ از این کار لذت می‌بری و مرا فراموش می‌کنی. خب، خب؛ بیا همدیگر را ببوسیم تا من تو را ببخشم.

خوشحالم از اینکه شاد و خوشحال هستی، چون این‌ها چیزهایی هستند که آدم در هنگام رفتن به روستا آرزویش را می‌کند. خوشحالم از اینکه می‌توانم برایت نامه بنویسم. من هم از اوقات خودم لذت می‌برم و فکر نکن که تو تنها کسی هستی که پشت اسب می‌نشینی، چون من هم به خوبی می‌توانم از پس این کار برآیم. نپرس چطوری، ولی می‌توانم؛ کافی است که اسب به آرامی به طرفی که دوست دارد برود، در حالی که من با ترس پشتش نشسته‌ام؛ مثل میمونی که پشت یک خرس نشسته باشد. تا حالا هم از پشت اسب زمین نیفتاده‌ام، چون او هیچ وقت قصد نداشته است مرا زمین بزند؛ ولی اگر روزی نیز چنین هوسی کند، ممکن است یکی از این روزها زمین هم بخورم.

نمی‌خواهم با شمردن کارهایم وقت تو را بگیرم، چون می‌دانم برای

1. Wilhelm Kolberg

2. Szafarnia

نامه‌های شوپن / ۷

تو جالب نیستند. گاهی مگس‌ها روی دماغ گنده‌ام می‌نشینند که اهمیتی ندارد؛ چون این کار عادت این حشرات احمق است. پشه‌ها هم گاهی تیشم می‌زنند که این هم مهم نیست، چون دماغم رانیش نمی‌زنند. بعضی وقت‌ها تنها دور باغ می‌دوم و گاهی برای قدم زدن به جنگل می‌روم. گاهی هم اسب‌سواری می‌کنم، البته نه بر پشت اسب، بلکه در یک کالسکه یا درشکه؛ ولی همیشه این افتخار را دارم که در پشت بنشینم و هیچ وقت جلو نمی‌نشینم. حتماً تا حالا سرت را درد آورده‌ام، ولی جز این چه کاری می‌توانم بکنم! اگر سرت درد نگرفته باشد، با اولین پست بنویس تا من به خوشمزگی‌هایم ادامه دهم.

نامه‌ام را بدون سلام و تعارفات معمول به پایان می‌برم، ولی به شکل دوستانه. ویلوس عزیزم، مواظب خودت باش و لطفاً برایم نامه بنویس. احتمالاً همدیگر را تا چهار هفته دیگر ملاقات می‌کنیم. تو را از صمیم قلب در آغوش می‌گیرم. دوست صمیمی تو.

ف. شوپن

سلام‌های مرا به مادر و پدرت برسان. برادرهایت را می‌بوسم.

## ۷

به یان بیالوبلوتسکا در سوکولووا<sup>۱</sup>

[سوکولووا، پایان تابستان ۱۸۲۴ یا ۱۸۲۵]

یالک<sup>۲</sup> عزیز و دوست‌داشتنی!

فردا صبح زود حرکت می‌کنیم. قول داده بودم که دیروز پیش تو باشم، ولی نتوانستم تا به امروز به سوکولووا<sup>۲</sup> برسم. از اینکه این بار هم نتوانستم

1. Sokolowo

2. Jalek

\* دهکده زادگاه بیالوبلوتسکاها نزدیک زافارنیا، جایی که شوپن تعطیلات تابستان را با خانواده جیه‌وانوفسکی گذراند. [Op.]



این نامه‌ها که عقیده دارم انتشار آن‌ها در مجموعه‌ای چنین کامل تا به امروز صورت نگرفته، از چندین نظر دارای اهمیت است. این نامه‌ها انگیزه و به انجام رسیدن بعضی از تصنیفات شوپن را بر ما معلوم می‌کنند و نشانگر رفتارهای شخصی و طرز تفکر او هستند: اسستادان و همشاگردی‌های او را به ما معرفی می‌کنند و محیط زندگی دوران کودکی را که در شکل‌گیری شخصیت او به عنوان یک انسان و یک موسیقیدان نقش داشته است، در مقابل چشمان ما زنده می‌کنند.

از مقدمه کتاب



انتشارات علمی و فرهنگی

ISBN: 978-600-436-979-4



9 786004 369794



مرکز موسیقی بتهوون شیراز